

ایوان کرخه: سازمان فضایی، فرم و عملکرد با استناد به داده‌های باستانشناسانه

دکتر حسن کریمیان

استادیار گروه باستانشناسی دانشگاه تهران

غلامعلی باغبان کوچک

عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان

(از ص ۱۴۹ تا ۱۷۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۹/۲۷

چکیده:

اطلاعات بدست آمده از منابع مکتوب، حفاریات و بررسیهای سطحی محدود باستانشناسانه و مطالعات محیطی در شهرهای ساسانیان تا حدودی ویژگیهای فضایی آنها را روشن و در تعیین هویت کالبدی و بصری این شهرها موثر گشته‌اند. با این همه، هنوز شهرهای فراوانی از این دوران وجود دارند که نام آنها در منابع مکتوب آمده، لیکن تا کنون کشف نگشته‌اند. همچنین هستند شهرهایی که، علیرغم نقش منحصر به فردشان در تاریخ این سرزمین، جز صفحات و گاه‌ا سطور و چند، اطلاعات دیگری از آنها در دست نیست.

یقیناً شهر باستانی «ایوان کرخه» یکی از نمونه‌های دسته اخیر است که در نوشتار حاضر مورد معرفی قرار می‌گیرد. این شهر، که با مساحتی قریب سه برابر شوش باستان به امر پادشاه ساسانی در نیمه اول قرن چهارم میلادی احداث گردیده، یکی از معتبرترین مراکز حکومتی در جنوب غرب ایران بزرگ به شمار می‌آید.

در این مقاله تلاش گردیده تا با اتکاء به نتایج مطالعات باستانشناسی نگارندگان در محدوده‌ای به وسعت تقریبی ۸۰۰ هکتار از عرصه و بخشهای حومه‌ای این ابرشهر دنیای باستان، تصویری هر چند کلی از سازمان فضایی و عملکرد آن ارائه گردد. گاهنگاری کلیه محوطه‌های تاریخی در محدوده مورد مطالعه نیز از جمله نتایج ارزشمند تحقیق حاضر است.

واژه‌های کلیدی: ایوان کرخه، شهرهای ساسانیان، شهر شاهی، فضاهای شهری.

مقدمه:

علیرغم کثرت و وسعت شهرهای باستانی ایران، مطالعات باستان‌شناسی که بتواند روند شکل‌یابی، توسعه و اضمحلال آنها را روشن سازد بسیار اندک است (کریمیان ۱۳۸۶: ۵۳۹). این نقیصه در مورد شهرهای ساسانیان چشمگیرتر و در عین حال توجیه‌ناپذیرتر مینماید، زیرا از این دوران منابع مکتوب متعددی نظیر کتیبه‌های حجاری شده، اطلاعات سکه‌شناسی و سایر مدارک باستان‌شناسانه در اختیار است (Karimian 2010, 453). «ایوان کرخه» یکی از شهرهای بزرگ ساسانیان در جانب غرب رودخانه کرخه است که با ۴۰۰ هکتار وسعت عرصه هنوز مورد مطالعه واقع نگشته است. امروزه خرابه‌های این شهر در ۲۵ کیلومتری شمال غربی شهر باستانی شوش و در حد فاصل غربی روستاهای «سرخه صالح مشطط» (سرخه آزادی) و «صالح داوود» قابل رویت است (نقشه شماره ۱)

هدف اصلی نوشتار حاضر بررسی زمینه‌های شکل‌یابی، توسعه و تخریب این شهر عظیم باستانی با اتکاء به مطالعه آثار سطحی قابل تشخیص و مواد فرهنگی یافت شده در بررسیهای باستان‌شناسی عرصه شهر و محوطه اقماری آن است. تشریح سازمان فضایی، فرم و عملکرد محله‌های شهری، با استفاده از مدل پراکنش مواد فرهنگی، از دیگر اهداف این مقاله است.

در این راستا، متعاقب تهیه نقشه عمومی شهر که با شناسایی و ثبت موقعیت تمامی واحدهای شاخص درون شهری و محوطه‌های اقماری آن توأم بود، بررسیهای سیستماتیک میدانی همراه با نمونه برداری هدفمند در عرصه شهر و بخش حومه‌ای آن، یعنی مناطق مجاور دیوارهای دفاعی تا شعاع ۴ کیلومتر، و در محدوده‌ای مجموعاً به وسعت تقریبی ۸۰۰ هکتار، به انجام رسیده است.

از آنجائیکه عرصه مستطیلی شکل شهر نیز بوسیله دو دیوار شرقی-غربی به سه منطقه مستقل تقسیم گردیده، داده‌های هر منطقه بطور مجزا مستند سازی و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. تعیین چگونگی توزیع، تراکم و وضعیت فضاهای معماری در مناطق مختلف شهری و حومه‌ای به منظور کسب آگاهی از عملکرد شهر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر مینمود. علیرغم وسعت محدوده مورد بررسی در بخش حومه‌ای، نمونه برداری در آن با پیمایش سطحی به انجام رسید. کلیه داده‌های سطحی طبقه‌بندی و با تجزیه و تحلیل آماری مورد استفاده قرار گرفتند.

آلوده‌گی منطقه تحت بررسی و بویژه اتلال باستانی به مواده منفجره عمل نکرده بازمانده از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و همچنین در هم ریختگی نسبی سطح تپه‌ها به دلیل حفر سنگرهای نظامی در آنها، از مهمترین مواردی بودند که بررسی سطحی را با مشکلات جدی مواجه میساختند. بعلاوه به دلیل تسطیح و زیر کشت رفتن قریب یکصد هکتار از بخش شمالی عرصه شهر، ناگزیر میبایست بررسی آن در زمانی مقتضی به انجام میرسید.

پیشینه تاریخی و مطالعاتی

منابع تاریخی حکایت از آن دارند که شوش در اوایل دوران ساسانی یکی از شهرهای آباد و پررونق ایران محسوب میگردید. مدت زیادی از آبادی مجدد این شهر توسط ساسانیان نگذشته بود که مسیحیان اسکان داده شده در آنجا^(۱) دست به شورش برده و آتش سوزی و ویرانی آنرا سبب گشتند. از این رو شاپور دوم (۳۱۰-۳۷۹ م) پس از سرکوب شورشیان - که به تخریب نسبی شهر نیز انجامید (مشکور ۱۳۶۷: ۴۰۸) - دستور داد که شهر جدید «ایوان کرخه» را در یک فرسنگی شمال شوش و در غرب رودخانه کرخه احداث نمایند و بدین ترتیب حیات هزاران ساله شوش در جانی دیگر از رود کرخه در این شهر جدید التاسیس استمرار یافت. به هر حال، با ساخت شهر ایوان کرخه، شوش دیگر رونق و آبادی گذشته خود را به دست نیآورد.

یافته‌های باستانشناسانه مورد استفاده در پژوهش حاضر نیز تائید مینمایند که منطقه مورد انتخاب شاپور برای احداث شهر ایوان کرخه، از ادوار پارینه سنگی تا شوشان جدید مورد استفاده مردمانی بود که امروزه بقایای تمدن‌های آنان را در محوطه‌های باستانی متعدد مکشوفه میتوان جستجو نمود.

اطلاعات مرتبط با ایوان کرخه در قرون اولیه اسلامی به جملاتی مختصر از جغرافی نویسان قرون اولیه اسلامی محدود میگردد. اگر چه اصطخری تنها به ذکر موقعیت این شهر بسنده نموده (۱۳۶۸: ۸۹-۹۰)، مقدسی و ابن حوقل، دو جغرافی نویس دیگر قرن چهارم هجری، اطلاعات مفید تری از آن بدست میدهند. مقدسی آنرا شهری آباد و دارای دژ و باغهای متعدد معرفی نموده که آب آشپامیدنی از نه‌هایش جاری است و بازارهایش در یکشنبه‌ها دایر است (۱۳۶۱: ۶۰۶ و ۶۱۰). ابن حوقل نیز آنرا از شهرهای معروف خوزستان دانسته که در تمام دنیا شهرت دارد و صاحب منبر نیز میباشد^(۲) (۱۳۴۵: ۲۳-۲۴). یاقوت - قرن هفتم - ، ابوالفداء و مستوفی در قرن هشتم هجری نیز تنها به ذکر نام این شهر به عنوان یکی از شهرهای خوزستان بسنده نموده‌اند (ابوالفداء ۱۳۴۹: ۳۱۱؛ لسترنج ۱۳۶۴: ۲۵۸-۲۵۹) در متون تاریخی قرون بعد نیز هیچگونه نامی از این شهر برده نشده است.

به سال ۱۳۰۹ ه. ش خرابه‌های این شهر باستانی به شماره ۴۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. علیرغم مرمت بخشهایی از دیوار شرقی این شهر تاریخی به سال ۱۳۲۹، پیش از وقوع انقلاب اسلامی جاده‌ای آسفالت - که روستاها و بخش‌های مختلف منطقه غرب کرخه را به هم ارتباط میدهد - از بخش میانی دیواره شرقی وارد عرصه آن شده و حدوداً از وسط دیواره شمالی خارج گردید^(۳).

با آغاز جنگ تحمیلی به سال ۱۳۵۹ توسط رژیم بعثی عراق، شهر باستانی ایوان کرخه یک بار دیگر به آوردگاه نبرد با مهاجمان بین‌النهرینی تبدیل گشت. در نتیجه تبادل آتش بین نیروهای خودی، که در پای دیوار شرقی شهر سنگر داشتند، و نیروهای دشمن، که متجاوزانه تا پای دیوار غربی آن پیش رانده بودند، آسیب‌های جدی بر این شهر عظیم باستانی و محوطه‌های اطراف آن وارد آمد. از جمله این خسارات تخریب ایوان ورودی اصلی شهر و بنای مشهور به کاخ شاهی بود که دیولافوا و گریشمن قبلاً از آنها گزارش و طرح تهیه نموده بودند. احداث سنگر در حصارها و برجهای دفاعی عظیم شهر و تپه‌های باستانی اقماری آن نیز تا

حد قابل ملاحظه‌ای اضطراب لایه‌ها و ادوار فرهنگی آنها را سبب گشته است. (تصویر شماره ۱) در سال ۱۳۷۰ یکی از دانشگاه‌های غیر دولتی استان خوزستان بیش از یکصد هکتار از عرصه مصوب و ثبتی این شهر را تحت عنوان ایجاد «مرکز تحقیقات کشاورزی» تصرف و پس از تسطیح آثار تاریخی عرصه شهر، به کشاورزی در محل اقدام نموده است (باغبان ۱۳۸۵: ۵۷). متعاقباً، برخی از افراد محلی نیز با توسل به اقدام فوق بخش‌هایی از اراضی عرصه تاریخی ایوان کرخه را اشغال و پس از تسطیح به فعالیت کشاورزی به صورت دیم و آبی مبادرت ورزیدند.^(۴)

همانند سایر شهرهای ساسانیان، مطالعات باستان‌شناسی در این شهر نیز بسیار اندک است. بخشی از مدارک شهر باستانی ایوان کرخه توسط «دیولافوا» تهیه گردیده است. او به سال ۱۸۸۳، ضمن بازدید از این شهر، از اجزای معماری آن و بویژه پاکارهای پیش آمده قوسهای عرضی و پنجره‌های مرتفع کاخ آن طرحهایی تهیه نمود (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۵۴۶). بخش دیگری از این مدارک به سال ۱۹۵۰ میلادی توسط رومن گیرشمن - رئیس وقت هیأت باستان‌شناسی فرانسه در شوش - بدست آمد (گیرشمن ۱۳۶۴: ۳۹۲). متأسفانه کلیه آثار معماری پابرجایی که دیولافوا و گیرشمن به ثبت آنها پرداخته بودند، در تهاجم ارتش متجاوز عراق به کلی منهدم گردیدند.

پس از گیرشمن هیچ باستان‌شناس دیگری در عرصه این شهر باستانی کاوش ننمود زیرا مین گذاری‌های فراوانی که به هنگام جنگ در عرصه و پیرامون آن صورت گرفته تهدیدی جدی برای استمرار فعالیتهای باستان‌شناسانه به حساب می‌آید. کاوشهای مهدی رهبر^(۵) در ۱۵۰۰ متری شمال شرق این شهر و در محوطه‌ای باستانی به نام «سرخه صالح داود» اطلاعات ارزشمندی از استقرار مربوط به دوره الیمائیها در این حوزه فرهنگی فراهم نمود (رهبر ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱).

در زمستان ۱۳۸۵ دو هیأت از باستان‌شناسان مرکز میراث فرهنگی خوزستان، به سرپرستی نگارنده دوم این مقاله، متعاقب بررسی باستان‌شناسی محوطه ایوان کرخه و تپه‌های اقماری آن^(۶) نسبت به انجام گمانه زنی در ضلع شمالی و شرقی بیرون از حصار شهر مبادرت ورزیدند. (باغبان کوچک ۱۳۸۵ a & b) اولین هیأت، در بررسی‌های سطحی موفق به شناسایی ۲۰ محوطه در حومه شهر گردید که در نقشه شماره ۲ با توزیع فضایی آنها آشنا خواهید شد. دومین گروه^(۷) نیز توفیق یافتند ۱۰ ترانше آزمایشی در جبهه شمالی خارج از حصار شهر و ۲۲ ترانше آزمایشی دیگر در موازات جبهه شرقی بیرون از حصار آن حفر نمایند^(۸).

از آنجائیکه تسطیح و خاکبرداری غیر مجاز قریب یکصد هکتار از بخش شمالی عرصه شهر مورد مطالعه^(۹)، کسب اطلاعات جدید و قابل استفاده در نیل به اهداف پژوهش حاضر را میسر نموده بود، نگارندگان این مقاله، در زمستان ۱۳۸۷، یک بار دیگر عرصه شهر را مورد پیمایش سطحی قرار داده و به ثبت داده‌ها مبادرت ورزیدند.

ویژگیهای فضایی و عملکردی

رود کرخه، که پس از پیوستن به آبهای لرستان از سمت غربی وارد دشت خوزستان میشود، با تبدیل شدن به پیچان رود (Meander)^(۱۰) و به دلیل ماهیت سیلابی اش موجب رسوب گذاری و ظهور نهشته‌های غنی در این دشت گردیده. شرایطی کاملاً مساعد که منجر به ظهور تمدنهایی در ادوار مختلف پیش از تاریخ تا عصر ساسانیان و مآلاً زمینه ساز ایجاد شهرهایی مانند شوش و ایوان کرخه شده است.

منطقه غرب کرخه با توجه به بستر زیست محیطی مناسب و موقعیت استراتژیک در تعامل با سرزمین میانرودان، همواره در دوره‌های مختلف مورد توجه بوده است. ایجاد شهر بزرگ و مهم ایوان کرخه توسط شاپور دوم در این نقطه دلیلی بر این مدعا است. از امتیازات این منطقه، ارتفاع آن نسبت به شوش و وجود تپه‌های ماهورهایی در اطراف شهر جدید التاسیس بود که موقعیت ممتازی در دفاع از آنرا به وجود می‌آوردند. امتیازی که به احتمال زیاد یکی از دلایل اصلی انتخاب این مکان از جانب پادشاه ساسانی به شمار آمده و در جنگ تحمیلی هشت ساله نیز پیوسته مورد محاسبه طرفین درگیر قرار میگرفت.

آنچنانکه نقشه شماره ۱ معلوم میدارد، ایوان کرخه شهری مستطیلی شکل است که به موازات رود کرخه و در جهت شمالی-جنوبی گسترش یافته است. این شهر عظیم ساسانی توسط یک حصار خشتی مستحکم و مرتفع به ابعاد چهارکیلومتر در یک کیلومتر محصور شده است. با ملاحظه وضع فعلی دیوارهای دفاعی شهر به نظر میرسد که به روزگار آبادانی‌اش دارای چهار دروازه- در محور چهار جهت اصلی- بوده لیکن کلیه ایاب و ذهاب رسمی تنها از یک دروازه با ایوانی رفیع، که در میانه جنوبی دیوار شرقی تعبیه گردیده بود، به انجام میرسید. این ایوان عظیم با قوسی از آجر پخته که طاق گهواره‌ای مورب و طویلی را بر دوش داشت، احداث شده بود و یکی از رفیع ترین ایوانهای روزگار ساسانیان به شمار می‌آمد (گذار و سیرو، ۱۳۷۱: ۷۰-۷۳).

همانگونه که در نقشه مذکور معلوم است، عرصه شهر نیز بوسیله دو حصار شرقی- غربی به سه بخش شمالی مرکزی و جنوبی تقسیم میگردد. این تقسیم بندی فضای داخلی شهر خود میتواند فرضیه استقرار نوعی نظام طبقاتی در آنجا را تقویت سازد. اگر چه با استفاده از الگوی تقسیم فضاهای شهری در عصر ساسانیان و در یک سازمان دهی فرضی فضاها میتوان تصور نمود که بخش مرکزی به طبقه ی حاکمان و دو بخش شمالی و جنوبی به دو گروه متمایز از مردمان تعلق داشته است (Karimian 2008: 99)، لیکن داده‌های یاستانشناسی در این شهر خلاف این فرضیه را به اثبات رسانده‌اند. زیرا بقایای سازه‌های بخش مرکزی پراکنده و ضعیف به نظر میرسند. بعلاوه، در بررسیهای آنجا (در طول جغرافیایی "۸۱۵' ۳۲" و عرض جغرافیایی "۱۰۷' ۱۲' ۴۸") یک کوره سفالپزی شناسایی گردید که توسط حفاران غیر مجاز نمایان شده است. وجود کارگاهی صنعتی در این بخش، احتمال سکونت حکام در آن را با تردیدی جدی مواجه میسازد.

متقابلاً، در بخش (ثلث) جنوبی این شهر سازه‌های معماری عظیمی، که به نظر میرسد بیشتر دارای کاربری تشریفاتی بوده‌اند، شناسایی شده است. همچنین، اجزای ستونهای سنگی استوانهای که به احتمال قوی مربوط به کاخی از عصر ساسانیان می‌باشند، به صورت پراکنده در سطح این بخش یافت گردیده‌اند. (تصویر شماره ۲)

دیولافوا به هنگام بازدید از خرابه‌های همین بخش (۱۸۸۳ م) از ایوان‌های رفیع با طاق‌های گهواره ای عریض یاد نموده و طرحی از آثار بر جای مانده ارائه می‌دهد. به سال ۱۹۵۰ میلادی، گیرشمن نیز در دو نقطه از این قسمت شهر به کاوش پرداخت و موفق به کشف سازه ای عظیم از آجر و ساروج گردید که آن را کاخ نامید (گیرشمن ۱۳۶۴: ۳۸۶ و ۳۹۲). این فضا مرکب بود از یک تالار چهار گوش که گنبدی آن را پوشانیده و یک دالان به درازای ۱۸ متر که به آن می‌پیوست و به وسیله طاقهایی، که از دیواری به دیوار دیگر برای مقاومت در برابر فشارهای طاقهای گهواره‌ای عرضی تخصیص یافته بود، مهار میگشت. (طرح شماره ۱) کلمان هوار این آثار را با کلیسای جامع ویران شده سبک گوتیک مقایسه و آنرا ساختمانی شاهی که برای فرمانروای ولایتی ساخته شده معرفی مینماید (۱۳۶۳: ۱۹۲). گیرشمن در این شهر کاخ یا کوشک دیگری را نیز حفاری نمود که دارای سه ایوان بود و صحن مرکزی آن ۱۲۷۸ متر وسعت داشت. اگرچه او به نقاشی دیواری در این بنا اشاره نمود، لیکن طرحی از آن ارائه نداده تا بکار آید. به هر حال، با رویت بقایای رنگهایی بر دیوارهای این بنا معلوم است که با نقاشی بر روی گچ تزئین یافته بود (گیرشمن ۱۳۶۴: ۳۹۲). وسعت قابل ملاحظه بنا و کاربرد عناصر تزئینی در آن تردیدی در تشریفاتی بودن آن و بالنتیجه استفاده حکومتی از بخش جنوبی شهر مورد مطالعه باقی نمیگذارد. این سازه‌ها همگی در جنگ تحمیلی تخریب شده و بجز پی، اثری از آنها باقی نمانده است (تصویر شماره ۳). در یک جمع بندی و با عنایت به تراکم بناهای وسیع تشریفاتی در بخش جنوبی شهر میتوان پذیرفت که مجموعه حکومتی در اینجا مستقر و بخشهای میانی و شمالی به سکونت طبقات دیگر اجتماع تعلق داشته‌اند.

اگر چه «تی پاتس» به وجود انواع تأسیسات شهری، از جمله کوره‌های سفالگری و کارگاههای بافندگی ابریشم در ایوان کرخه اشار کرده و آنرا یکی از مراکز تولید پارچه‌های ابریشمی صادراتی جهان خویش معرفی مینماید (۱۳۸۵: ۶۲۵-۶۵۸)، لیکن اظهار نظر در این خصوص را به انجام کاوشهای باستانشناسی در آنجا موکول میسازیم.

توزیع فضایی، تعیین عملکرد و گاه نگاری محوطه‌های حومه‌ای

به منظور درک کاملتر از عملکرد شهر مورد مطالعه، بررسیهای سطحی سیستماتیک در بخشهای حومه‌ای آن به انجام رسید که منجر به شناسایی ۲۰ محوطه فرهنگی - تاریخی گردید. همانگونه که در نقشه شماره ۲ قابل رویت است، غالب این محوطه‌ها در حومه جنوبی شرقی شهر تمرکز یافته‌اند. بررسی داده‌های شاخص سطحی تا حد قابل توجهی کاربری محوطه‌ها را روشن ساخته است. جالب آن که گاه‌ها نامی که بومیان به این تپه‌های تاریخی داده‌اند، نیز بر عملکرد آنها دلالت دارد. به عنوان مثال، وجود انبوهی از سر باره‌های ذوب فلز بر عرصه دو محوطه مشهور به «تپه کوره ۱ و ۲» به درستی ارتباط نام و کاربری آنها را روشن میسازد.

آنگونه که در نقشه شماره ۳ قابل ملاحظه است، دوازده محوطه باستانی در منطقه‌ای مشهور به «سرخه صالح مشطط» تمرکز یافته و با همین عنوان نیز نامگذاری گردیده‌اند. با استناد به گاه نگاری داده‌های سفالی

(طرح شماره ۲)، تمامی تپه‌های مذکور به دوران تاریخی و به ویژه دوران ساسانی تعلق دارند (جدول شماره ۱).

اگرچه وجود ادوات نظامی عمل نکرده بر سطح بخش شمالی تپه « شرم خدا» بررسی سطحی آنرا با مشکل مواجه میساخت (تصویر شماره ۴)، لیکن با مطالعه داده‌های جمع آوری شده مشخص گردید که این محوطه آثار ادوار ایلامی، پارت و ساسانی را در خود جای داده است. بعلاوه، بر عرصه ی بخش جنوبی این تپه، علاوه بر ابزارهای سنگی (تصویر شماره ۵)، بقایای فراوان جوش کوره و سه پایه‌های مخصوص کوره سفال پزی و آجرهای قرمز رنگ مشاهده و ثبت گردید. وجود بقایای جوش کوره بر سطح این محوطه و نیز تپه شماره ۱۶ - که در فاصله اندکی از شمال شرق آن واقع است - میتواند این فرضیه را تقویت سازد که دست کم در دوران ساسانی در محوطه‌های شرقی شهر ایوان کرخه فعالیت صنعتی رونق داشته است.

شمالی ترین محوطه فرهنگی در شرق شهر ایوان کرخه تپه‌ای است تاریخی مشهور به «سرخه صالح داوود» که در جنوب روستای صالح داوود واقع گردیده. حفاریات این محوطه، قبوری سردابی شکلی را معین نمود که حفار^(۱۱) آنها را به دوران الیمایی منتسب ساخته است.

در بررسیهای سطحی همچنین سه محوطه فرهنگی نسبتاً وسیع در غرب و جنوب غربی شهر ایوان کرخه شناسایی شد که در نقشه با شماره‌های ۱۸ تا ۲۰ مشخص گردیده‌اند. در قسمتهای شمالی و جنوبی تپه شماره ۱۸ آثار سازه‌هایی از آجرهای قرمز هویدا گردیده که، با توجه به ابعاد و رنگ و نوع طاق‌های هلالی شکل، در تعلق آنها به دوران ساسانی تردیدی نیست. اگر چه این تنها تپه ساسانی در خارج از محدوده غربی حصار شهر، به دلیل سنگرهای حفر شده به هنگام جنگ تحمیلی آسیب جدی دیده است، لیکن با ملاحظه آثار معماری شاخص در آن میتوان گفت که محتملاً دارای کار بری مذهبی و آئینی بوده (تصویر شماره ۶).

شناسایی دو محوطه پیش از تاریخی به نامهای «ایشان اسود» و «ایشان مسیلت» (۱۹ و ۲۰ در نقشه شماره ۲) در منطقه‌ای سیلابی واقع در جنوب غربی شهر ایوان کرخه ضمن آنکه اطلاعات ارزشمندی در خصوص سابقه سکونت در این حوزه را فراهم ساخته، در تحلیل توزیع مکانی محوطه‌ها نیز مفید فایده است. با شناسایی محوطه‌های مذکور این فرض قابل طرح است که محتملاً سایر محوطه‌های پیش از تاریخی کم ارتفاعتر در زیر حجم رسوبات رودخانه کرخه مدفون گشته باشند. اگر چه آثار سطحی تپه «ایشان اسود» بواسطه حفر سنگرهای نظامی در جریان جنگ تحمیلی آسیب دیده، لیکن وجود خمپارها و گلوله‌های جنگی عمل نکرده در سطح آن مانع از تعرضات حفاران غیر مجاز بدان گردیده است. به هر حال، با مطالعه یافته‌های سفالی این تپه به جرات میتوان گفت که در ادوار شوشان میانه متأخر، شوشان جدید ۱ و شوشان جدید ۲ مسکون بوده (طرح شماره ۳). از این محوطه تعدادی تیغه‌های سنگی و سر دوکهای سفالی نیز یافت شده که در تصویر شماره ۷ ارائه گردیده‌اند. تشابه یافته‌های سفالی و تیغه‌های سنگی این محوطه و محوطه پیش از تاریخی «ایشان مسیلت» (طرح شماره ۳ و تصویر ۸) تردیدی باقی نمیگذارد که محوطه اخیر الذکر نیز در ادوار مس و سنگ، شوشان میانه و شوشان جدید، مورد استفاده قرار داشت (باغبان کوچک ۱۳۸۵: ۵۰-۵۴).

علاوه بر محوطه‌های ذکر شده، در ده کیلو متری شمال شهر ایوان کرخه و در منطقه‌ای سیلابی مجموعه‌ای از محوطه‌های پیش از تاریخی بسیار غنی مشتمل بر تعداد ۵۰ کارگاه پردازش دست ابزارهای سنگی متعلق به ادوار مزولیتیک تا پارینه سنگی جدید شناسایی گردیده است (نقشه شماره ۲). آنچنانکه سرپرست بررسیهای این محوطه‌ها معتقد است^(۱۲)، با عنایت به ویژگیهای قریب ده هزار قطعه شئی برداشت شده از تعدادی از این کارگاهها این فرضیه را میتوان مطرح نمود که استفاده کنندگان از این کارگاهها در مکانی دیگر ساکن بوده‌اند (شیخ ۱۳۸۷). بلا شک مطالعه این مجموعه بی نظیر و محوطه‌های غنی فرهنگی مکشوفه میتواند اطلاعات ذقیقیمی را در خصوص اولین استقرارهای شکل دهنده تمدنهای عظیم دشت کرخه (بویژه شوش و ایوان کرخه) را در اختیار باستانشناسان قرار دهد.

نتیجه‌گیری:

داده‌های حاصل از بررسیهای سطحی محوطه‌های جانب غرب کرخه روشن ساختند که، همزمان با شکل یابی تمدن شوش، مردمانی نیز در این حوزه مستقر بودند که به فعالیت‌های صنعتی، مانند پردازش دست ابزارهای سنگی در ده کیلومتری شمال شهر ساسانی ایوان کرخه، اشتغال داشتند. داده‌های سطحی همچنین حاکی از آنند که، مدتها قبل از ساخت شهر ایوان کرخه، همزمان با شوشیان میانه و جدید، گروه‌هایی نیز در محوطه‌های «ایشان اسود» و «ایشان مسیلت» واقع در جنوب غربی شهر مورد مطالعه مستقر بوده‌اند. گزارش حفريات آقای مهدی رهبر در محوطه «سرخه صالح داوود» روشن ساخت که بعدها الیمائیه‌ها در منطقه مجاور شرق ایوان کرخه و حد فاصل دو محوطه پیش از تاریخ ذکر شده سکونت یافته‌اند. وجود آثار پارتیان در محوطه مشهور به «شرم خدا» - با فاصله‌ای اندک از سرخه صالح داوود - نیز به روشنی موید استمرار زندگی ساکنان غرب کرخه قبل از ایجاد شهر موضوع تحقیق است.

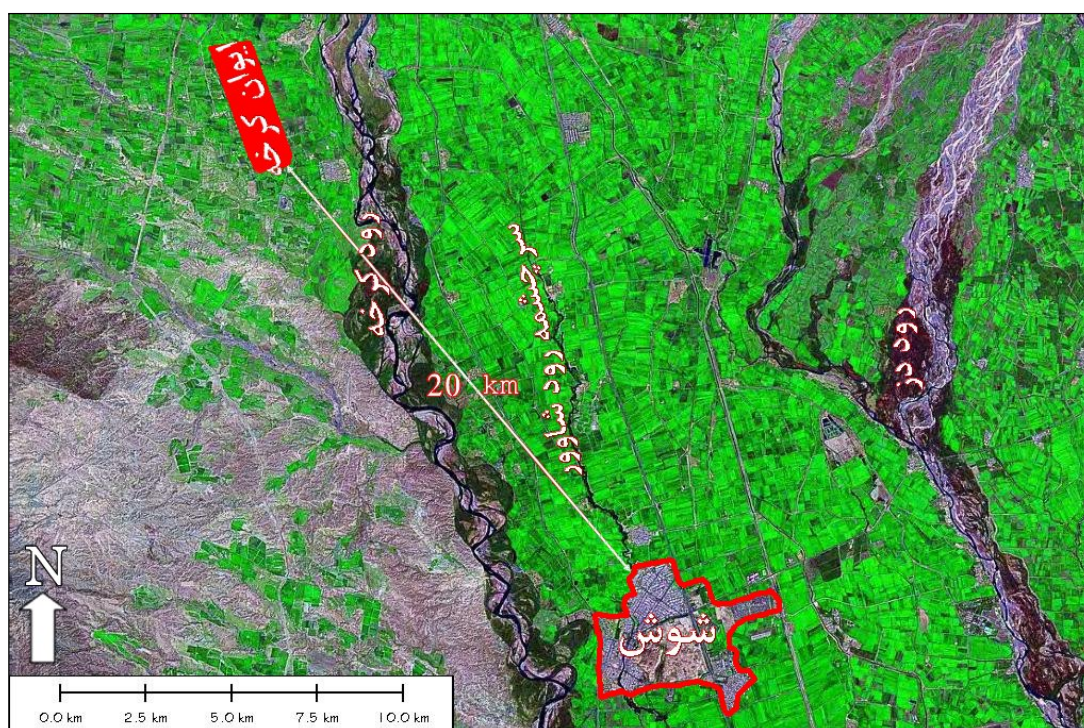
تراکم تپه‌های دوازده گانه تاریخی مشهور به «صالح مشطط» در محدوده‌ای به وسعت تقریبی یکصد هکتار (در جنوب شرقی شهر ایوان کرخه) نیز این احتمال را تقویت می‌سازد که مدتی قبل از احداث این شهر، جمعیتی انبوه به صورت متراکم در این حوزه سکونتی داشتند و بدین ترتیب زمینه‌ای مناسب در جهت احداث چنین شهر عظیمی فراهم بود. تردیدی نیست که بهره برداری از دشتهای حاصلخیز جانب غرب کرخه میتوانست به عنوان پشتوانه‌ای در توسعه و تقویت شهر جدید التاسیس عمل نماید. در این هنگام، شهر شوش که به روزگار ساسانیان کماکان بخشی از اعتبار گذشته خویش را حفظ کرده بوده، متعاقب شورش‌ی که در آن رخ داد، مورد تخریب واقع و با احداث شهر جدید ایوان کرخه اهمیت پیشین خویش را از دست داد.

اگر چه اظهار نظر قطعی درخصوص عملکرد ایوان کرخه نیازمند انجام حفريات متمدن باستان شناسانه در آن است، لیکن، با داشتن مساحتی قریب سه برابر وسعت شوش، بعید به نظر میرسد که کلیه عرصه آن مسکون بوده باشد. نحوه توزیع فضایی بقایای واحدهای مسکونی - که به شکل تپه‌های کوچکی در عرصه شهر پراکنده‌اند - نیز این احتمال را تقویت می‌سازد که این شهر به عنوان یکی از مراکز معتبر حکومتی در کنترل

بر تمدن‌های دشت خوزستان مورد بهره برداری بوده است. دیوار دفاعی عظیم و قطور شهر نیز بیش از هر چیز بر اهمیت استراتژیک آن صحنه گذاشته و فرضیه کاربری آنرا به عنوان مرکزی حکومتی (شهر شاهی) تقویت می‌سازد.

تقسیم عرصه ی شهر به سه منطقه جداگانه، نه تنها از تفکرات کیهانی ایرانیان باستان تبعیت مینماید (Karimian 2001 & 2003)، بلکه اجرای الگوی استقرار گروه‌های مختلف اجتماعی در مناطق منفک از هم، آنگونه که درسایر شهرهای ساسانی متداول بود، را یادآور می‌سازد (Karimian 2008: 99-106). تنها تفاوت محسوس آن است که، مجموعه حکومتی این شهر در بخش جنوبی آن مستقر و بخشهای میانی، شمالی و حومه‌ای به سکونت طبقات دیگر اجتماع تعلق داشته‌اند.

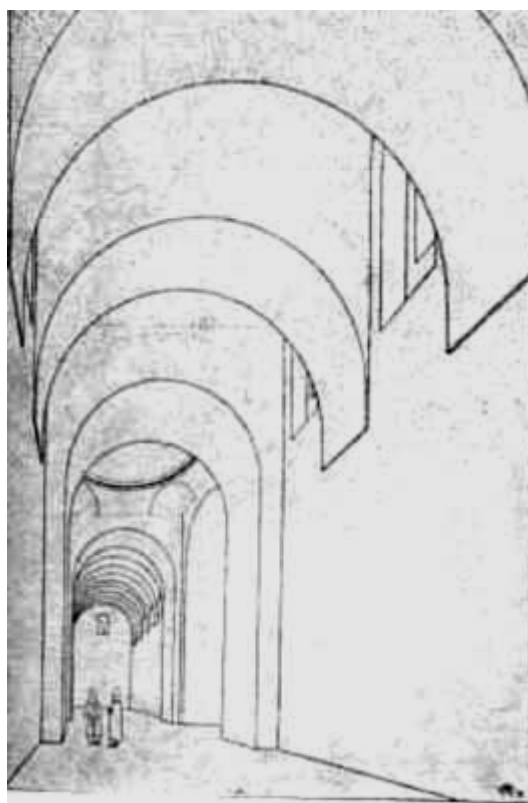
آنچنانکه از الگوی پراکنش داده‌های سطحی در بخش حومه‌ای شهر مورد مطالعه قابل استنباط است (جدول شماره ۱)، مولدان ثروت و صنعتگران عصر ساسانی عمدتاً در این بخش استقرار داشته‌اند. از آنجائیکه بر سطح اکثر محوطه‌های مورد مطالعه حومه‌ای آثار کوره‌ها و سرباره ذوب فلز قابل ملاحظه است، این فرض تقویت میگردد که فلزکاری عمده ترین فعالیت صنعتگران ایوان کرخه در عصر ساسانیان بوده. حال، چنانچه شهری وسیع و تا حدودی خالی از سکنه با دیوارهای دفاعی بسیار مرتفع و قطور را در نظر آوریم، که عمده ترین فعالیت اقتصادی ساکنان حومه‌ای آن را فلز کاری تشکیل میداده، با احتمال زیاد عملکردی نظامی را برای آن میتوان تصور نمود. اگر چه متون تاریخی ایوان کرخه را یکی از شهرهای آباد خوزستان در قرن چهارم هجری معرفی مینمایند، لیکن فقر داده‌های باستانشناسانه مرتبط با دوران اسلامی، تائید کامل این مطلب را اندکی با مشکل مواجه می‌سازد. به هر حال، با ملاحظه داده‌های سطحی، به نظر میرسد در پایان قرن ششم هجری حیاط این شهر به پایان رسیده و مورخانی نظیر یاقوت و ابوالفداء نیز تنها به تبعیت از متون گذشته نامی از آن برده‌اند.



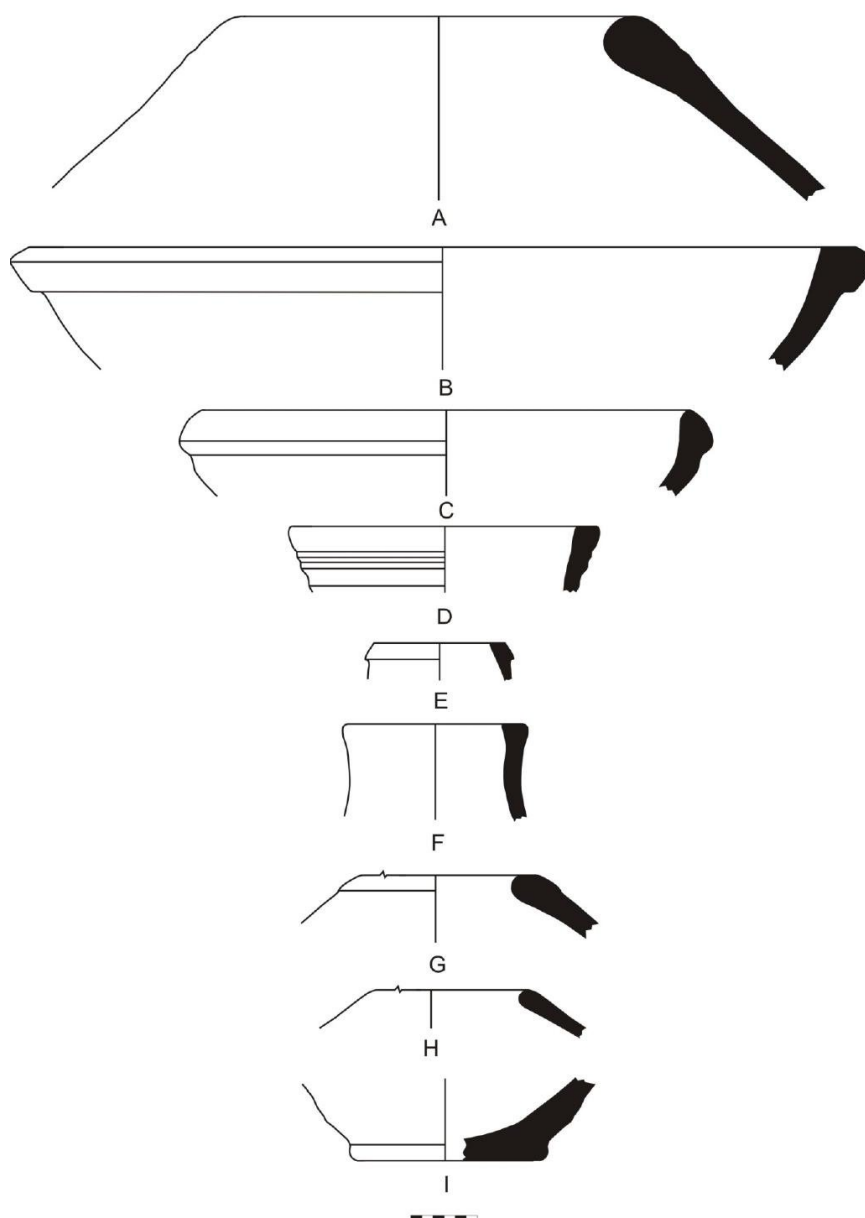
نقشه شماره ۱: موقعیت شهرهای تاریخی ایوان کرخه و شوش در دو سوی رود کرخه



نقشه شماره ۳: تراکم تپه‌های دوازده گانه در منطقه معروف به سرخه صالح مشط، جنوب شرقی ایوان کرخه



طرح شماره ۱: دالان مورد رویت گیرشمن به درازای ۱۸ متر و طاق‌های گهواره‌ای ایوان ای رفیع خرابه‌های
ایوان کرخه (تجویدی ۱۳۴۵: ۳)



طرح شماره ۲: نمونه سفالهای مکشوفه از مجموعه تپه‌های باستانی مشهور به «سرخه صالح مشطط» (طراح: پروش زاهدی)

جدول شماره ۱: توزیع، تنوع و گاهنگاری داده‌های سطحی در محوطه‌های حومه‌ای شهر باستانی ایوان کرخه

نام تپه	شماره	تنوع داده‌های سطحی	گاه نگاری بر
---------	-------	--------------------	--------------

اساس داده‌های سفالی	سایر آثار	سرباره فلز	جوش کوره سفالگری	ابزار و ظروف سنگی	پراکندگی قطعات سفالی	آثار معماری	مساحت (متر مربع)	تپه در نقشه	
تاریخی (ساسانی)	ساختمان بتنی	متراکم	•	•	•	مشهود نیست	۱۸۰۰	۱	تل کوره ۱
تاریخی (ساسانی)	•	متراکم	•	•	•	مشهود نیست	۱۶۰۰	۲	تل کوره ۲
تاریخی	جاده آسفالت‌ه	•	•	•	اندک	مشهود نیست	۲۵۰۰	۳	سرخه صالح مشطط ۱
تاریخی (ساسانی)	•	•	•	•	اندک	مشهود نیست	1620	۴	سرخه صالح مشطط ۲
تاریخی (ساسانی)	•	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	۱۰/۰۰۰	۵	سرخه صالح مشطط ۳
تاریخی (ساسانی)	ساختمان نوساز	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	۱۴/۴۰۰	۶	سرخه صالح مشطط ۴
تاریخی (ساسانی)	•	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	۹/۰۰۰	۷	سرخه صالح مشطط ۵
تاریخی (ساسانی)	•	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	۱۲/۰۰۰	۸	سرخه صالح مشطط ۶
تاریخی (ساسانی)	•	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	۱۹/۸۰۰	۹	سرخه صالح مشطط ۷
تاریخی (ساسانی)	•	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	۷/۲۰۰	۱۰	سرخه صالح مشطط ۸
تاریخی (ساسانی)	•	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	1/900	۱۱	سرخه صالح مشطط ۹
تاریخی (ساسانی)	•	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	۴/۰۰۰	۱۲	سرخه صالح مشطط ۱۰
تاریخی (ساسانی)	•	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	۱/۸۰۰	۱۳	سرخه صالح مشطط ۱۱
تاریخی (ساسانی)	جاده آسفالت‌ه	•	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست	۱۷/۵۰۰	۱۴	سرخه صالح مشطط ۱۲
ایلامی، پارت و ساسانی	خمپاره عمل نکرده	قابل ملاحظه	فراوان	قابل ملاحظه	انبوح و متنوع	آجرهای قرمز رنگ	۱۹/۵۰۰	۱۵	شرم خدا
تاریخی (ساسانی)	•	متراکم	•	•	بسیار اندک	مشهود نیست		۱۶	تپه بدون نام
الیپمایی	سنگرهای	قابل	•	•	انبوح و	قبری	۴۵/۰۰۰	17	سرخه صالح

داوود			سردابی شکلی + نهر آب سنتی	متنوع		ملاحظه	حفر شده در جنگ تحمیلی	
تپه بدون نام	۱۸	۱۶۰۰	سازه‌هایی از آجرهای قرمز	اندک و متنوع	۰	قابل ملاحظه	سنگرهای حفر شده در جنگ تحمیلی	تاریخی (ساسانی)
ایشان اسود	۱۹	۴۵/۰۰۰	بقایای سازه‌هایی خشتی	انبوح و متنوع	قابل ملاحظه	قابل ملاحظه	خمپاره، گل‌لپه‌های جنگی	شوشان میانه متأخر، شوشان جدید ۱ و شوشان جدید ۲
ایشان مسلیت	۲۰	۱۵/۰۰۰	۰	انبوح و متنوع	قابل ملاحظه	۰	سنگرهای نظامی	شوشان میانه، شوشان جدید ۱

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- این اسیران را شاپور دوم پس از تصرف آمیدا (دیار بکر) به ایران منتقل و میان شوش و شهرهای دیگر خوزستان توزیع نموده بود. (کلمان هوار ۱۳۶۳: ۱۶۲)
- ۲- داشتن جامع و منبر از شاخصه‌های شهرهای مهم و حکومتی در قرون اولیه اسلامی به حساب می‌آمد.
- ۳- این جاده که به عنوان یکی از مسیرهای اصلی پر تردد در منطقه مورد استفاده است، نیمه شمالی محوطه تاریخی ایوان کرخه را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم نموده است.
- ۴- نگارنده اول این مقاله به همراه آقایان مهندس محمد حسن محبعلی و مهندس حسین رایتی مقدم از جانب دادگستری شهرستان شوش جهت کارشناسی در پرونده مطروحه از جانب میراث فرهنگی علیه متجاوزان به این اثر بی نظیر ملی دعوت گشتیم که خوشبختانه نظرات ارائه شده هیات منجر به صدور رای «رفع تجاوز و خلع ید» متجاوزان از اثر گردید.
- ۵- این حفريات در دو فصل و در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ به انجام رسیده. گفته می‌شود که آقای «مهدی رهبر» کارشناس پر تجربه سازمان میراث فرهنگی کشور - فعالیت‌هایش را به دلیل وجود مین‌های خنثی نشده ناتمام گذاشته است.
- ۶- اعضای تیم بررسی عبارت بودند از: لقمان احمدزاده شوهانی، مهدی امیدفر، پریوش زاهدی و اعظم ملک صیدآبادی.
- ۷- اعضای تیم گمانه‌زنی عبارت بودند از: امیر یزدان فر، یوسف دیناروند، حجت سرخه، زینب شیخ میری و حدیث نادر منش
- ۸- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به گزارش گمانه‌زنی ضلع شمالی و شرقی بیرون از حصار محوطه ایوان کرخه به سرپرستی غلامعلی باغبان کوچک که در سازمان میراث فرهنگی خوزستان نگهداری می‌شود.
- ۹- یکی از دانشگاه‌های غیر دولتی خوزستان تحت عنوان را اندازی مرکز تحقیقات کشاورزی بیش از یکصد هکتار از عرصه مصوب و ثبتی این شهر را تصرف و بعد از تسطیح آثار تاریخی درون شهری به کشاورزی در محل اقدام نموده است.

- ۱۰- از آنجائیکه اینگونه رودخانه‌ها در مناطق جلگه‌ای و پست فرصت رسوب‌گذاری را پیدا کرده و نهشته‌های غنی بالادست را به دشت منتقل می‌سازند، همواره مناطق مستعدی برای کشاورزی را ایجاد می‌سازند.
- ۱۱- آقای مهدی رهبر- کارشناس پرتجربه سازمان میراث فرهنگی کشور
- ۱۲- سرپرستی این بررسیها را آقای محمد شیخی - کارشناس توانمند میراث فرهنگی استان خوزستان- با همکاری آقایان امیر یزدانفر و سعید دیناروند، عهده‌دار بوده است.

منابع:

- ابن حوقل، اسماعیل، (۱۳۴۵)، «صورة الارض»، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- اصطخری، ابوالقاسم ابراهیم: (۱۳۶۸)، «المسالك والممالك»، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم، تهران
- ابوالفداء: (۱۳۴۹)، «تقویم البلدان»، ترجمه عبدالمحید آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- افشار سیستمی، ایرج: (۱۳۷۳)، «خوزستان و تمدن دیرینه آن»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- اقتداری، احمد: (۱۴۵۴)، «دیار شهریاران: آثار و بناهای تاریخی خوزستان»، جلد دوم، تهران: انجمن آثار ملی
- باغبان کوچک، غلامعلی: A (۱۳۸۵)، گزارش «بررسی باستان شناسی محوطه ایوان کرخه و تپه‌های اقماری زمستان ۱۳۸۵»، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خوزستان
- باغبان کوچک، غلامعلی: B (۱۳۸۵)، گزارش «گمانه زنی به منظور تعیین حریم محوطه تاریخی ایوان کرخه»، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خوزستان
- تجویدی، اکبر: (۱۳۴۵)، «سهم معماری ایران یدرپیدایش معماری اسلامی در قرون اولیه هجری». هنر و مردم، دوره ۴، ش ۴۷، شهریور ۴۵ ص ۲-۸
- تی پاتس، دنیل: (۱۳۸۵)، «باستانشناسی ایلام»، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت، ۶۲۵-۶۵۸
- سامی، علی: (۱۳۴۲)، «تاریخ تمدن ساسانی»، جلد ۲، شیراز: انتشارات نوید
- شیخ، محمد: (۱۳۸۷)، «گزارش مقدماتی بررسیهای اولیه محوطه محوطه پیش از تاریخ ایوان کرخه»، کتابخانه و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور
- دیولافوا، مادام ژان، (۱۳۷۱)، «سفرنامه: ایران، کلد و شوش»، ترجمه علی محمد فرهوشی. مؤسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ پنجم.
- مقدسی، ابو عبد الله محمد بن احمد: (قرن چهارم هجری)، «احسن التقاسیم فی معرفۃ الاقالیم»، ترجمه علینقی منزوی، تهران.
- رهبر، مهدی: (۱۳۷۸)، «گزارش اولین فصل از حفاریات باستانشناسی محوطه تاریخی صالح داوود (سالار شهیدان)»، کتابخانه و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور
- رهبر، مهدی: (۱۳۸۱)، «گزارش دومین فصل از حفاریات باستانشناسی محوطه تاریخی صالح داوود (سالار شهیدان)»، کتابخانه و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور
- کلمان هوار، (۱۳۶۳)، «ایران و تمدن ایرانی»، ترجمه حسن انوشه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- کریمیان، حسن، (۱۳۸۶)، «هویت کالبدی و بصری شهرهای ساسانیان»، در: تاریخ معماری و شهر سازی ایران، (۲۵ تا ۳۰ فروردین ۱۳۸۵) جلد پنجم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۵۳۹-۵۶۰

- گذار، آندره، ماکسیم سیرو، (۱۳۷۱)، آثار ایران، جلد ۳ - ۴، ترجمه ابو الحسن سرفرد مقدم، مشهد مقدس: انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی
- گریشمن، رومن، (۱۳۶۴)، «ایران از آغاز تا اسلام»، ترجمه محمد معین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- لسترنج، (۱۳۶۴)، «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی»، ترجمه محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- مشکور، محمد جواد، (۱۳۶۷)، «ایران در عهد باستان: در تاریخ اقوام و پادشاهان»، چاپ پنجم، تهران: چاپ گلشن
- مشکواتی، نصرالله، «فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی: ایوان کرخه»، ص ۱۱۶
- واندنبِرگ، لویی، (۱۳۷۹)، «باستانشناسی ایران باستان»، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران، ۶۷-۶۸

Karimian H., (2008), "Iranian society in the Sasanian period," Kennet, D & L Paul. Current Research in Sasanian Archaeology, Art and History. UK. BAR International Series 1810, pp. 99-106

Karimian H., (2010), "Cities and social order in Sasanian Iran – the archaeological potential," *Antiquity*, Antiquity Publication Ltd., June 2010, Volume 84, Issue 324, pp. 453-466

Karimian H. and Sayedain S., (2010), "A preliminary survey at the circular city of Darabgird, Iran," *Antiquity*, Antiquity Publication Ltd., Issue 324, June 2010. Vol. 84

Karimian H., (2003), "Intentionality and meaning in the similar layout of Sasanian cities," The 10th Iranian Researcher's Seminar in Europe (IRSE), 28th June 2003, University of Central England (UCE) in Birmingham, UK

Karimian H., (2001), "Cosmological aspects of Iranian ancient cities: The nature of social space in Sasanian and Islamic Bam," 9th Iranian Students Seminar in Europe, 29-30 June 2002, Birmingham, UK

بررسی باستان‌شناسی سفال‌های دوره اسلامی محوطه باستانی نجیر خاقل ری^۱

دکتر فیروز مهجور

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

محمد ابراهیمی‌نیا

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

حسین صدیقیان

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره اسلامی دانشگاه تهران

(از ص ۱۷۳ تا ۱۹۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵

چکیده:

محوطه باستانی نجیر خاقل، واقع در بخش فشافویه شهر ری، با عرصه دست کم ۱۱ هکتاری، یکی از محوطه‌های مهم دوره اسلامی است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. متأسفانه بخش‌هایی از آن توسط ادوات کشاورزی تسطیح شده است. علاوه بر وسعت بسیار زیاد، پراکنش فراوان و گسترده آثار فرهنگی در سطح آن بویژه قطعات مختلف سفالینه‌های بدون لعاب و لعاب‌دار بر اهمیت فرهنگی و تاریخی این محوطه، دلالت می‌نمایند. به همین علت در تابستان سال ۱۳۸۹، طی یک برنامه پژوهشی باستان‌شناختی، به مطالعه و بررسی سطحی این محوطه پرداخته شد. این بررسی‌ها ثابت نمود که محوطه مذکور در دوره‌های میانی و متأخر اسلامی دارای استقرار و رونق خوبی بوده است. این مقاله نتیجه مطالعه داده‌های سفالین بررسی مذکور است.

سفالینه‌های مورد مطالعه در طیف بسیار گسترده و متنوع بدون لعاب و لعاب‌دار قرار دارند و هر یک به زیر گروه‌های فراوانی تقسیم می‌شوند. از نکات جالب توجه آنکه در بین قطعات سفالینه‌های لعاب‌دار، نمونه‌های متعددی از هر دو گونه سفال‌های موسوم به کوباجه شناسایی گردید که تاکنون از این منطقه و استقرارهای اطراف آن لااقل با این حجم، شناسایی و گزارش نگردیده بود. همچنین گاهنگاری‌های نسبی و مقایسه‌ای داده‌های سفالین، مبین آن است که محوطه نجیر خاقل، حداقل در فاصله‌ی قرون ۴ تا ۱۱ ه.ق. دارای استقرار بوده و این استقرار در فاصله قرون ۹ تا ۱۱ ه.ق. به اوج رونق خود رسیده است.

واژه‌های کلیدی: شهر ری، محوطه نجیر خاقل، شوره‌پزخانه، بررسی باستان‌شناختی، دوران

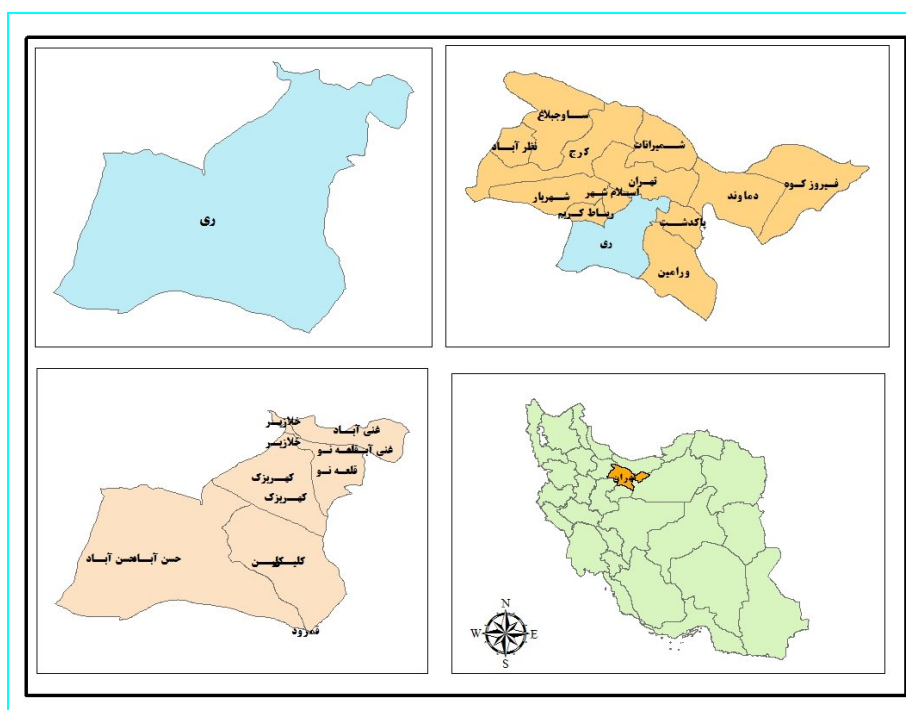
اسلامی، سفال.

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: fmahjor@ut.ac.ir

۱. این مقاله، بر گرفته از طرح تحقیقاتی این جانب تحت عنوان «بررسی باستان‌شناسی محوطه شوره‌پزخانه (خاقل) در دشت تهران» می‌باشد، که با پشتیبانی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران تصویب و اجرا شده است.

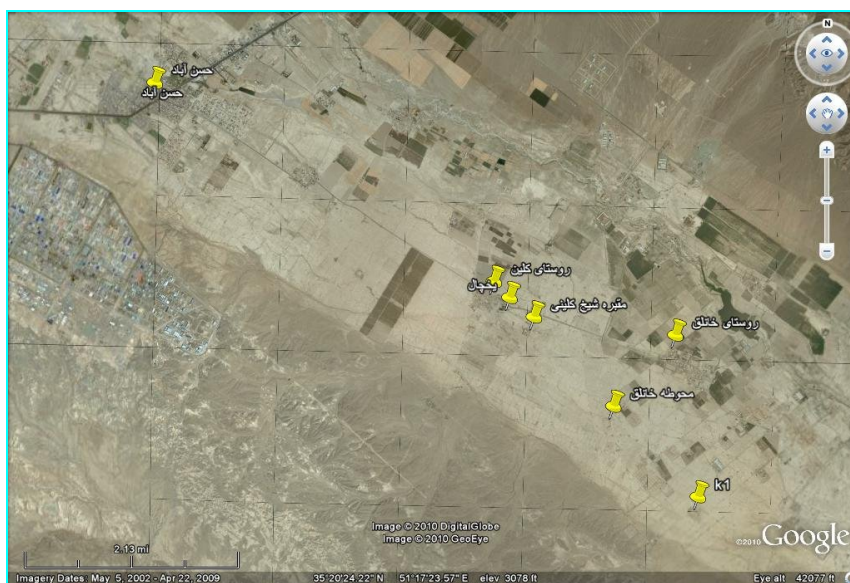
معرفی محوطه

محوطه باستانی «نچیر خاتلق» یا «شورپزخانه» امروزه در بخش فشاویه، از توابع شهرستان ری قرار گرفته است. فاصله هوایی این محوطه تا مراکز اصلی دو شهرستان ری و ورامین حدود ۳۰ و ۲۷ کیلومتر است. در هشت کیلومتری شمال غربی این محوطه، شهر جدید حسن آباد واقع شده است. تنها راه ارتباطی امروزی به محوطه نچیر خاتلق، از این شهر میگذرد. در حال حاضر، «شورپزخانه» یا «نچیر» در فاصله ۱/۴ کیلومتری جنوب غربی روستای «خاتلق»، ۲/۵ کیلومتری جنوب شرقی روستای مهم و تاریخی «کلین» و ۲/۵ کیلومتری کارخانه تولید روغن ماشین آتلانتیک، واقع شده است. راه ارتباطی و آسفالت روستای کلین به خاتلق از فاصله حدود یک کیلومتری این محوطه میگذرد که در بخشی از آن، یک جاده فرعی خاکی احداث شده است و تقریباً تا کنار محوطه باستانی مذکور امتداد دارد (نقشه ۱).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی شهر ری

ابعاد تقریبی محوطه بر اساس اندازه‌گیری از روی تصاویر ماهواره‌ای، ۵۵۰ × ۲۰۰ متر است و ارتفاع آن از سطح دریا ۹۳۸ متر است. طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۱۹ دقیقه و ۱۲ ثانیه و عرض جغرافیایی آن ۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه و ۲۴ ثانیه است. بر اساس بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه، در حال حاضر، بزرگترین محوطه اسلامی دشت تهران به‌شمار می‌رود و به استناد عکس‌های هوایی و مشاهدات میدانی، هم‌اکنون از دو بخش مجزای شمالی و جنوبی تشکیل شده است که ارتفاع منظری بخش‌های مذکور به ترتیب از شمال به جنوب کمتر می‌گردد. بخش شمالی ارتفاعی بین ۷ تا ۷/۱۰ متر از سطح زمین‌های اطراف دارد، در حالی که حداکثر ارتفاع بخش جنوبی به ۷۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر می‌رسد (تصاویر ۱-۳).



تصویر ۱: موقعیت محوطه نجیر خاقلق نسبت به اطراف



تصویر ۲: محوطه نجیر خاقلق



تصویر ۳: نمایی از محوطهٔ نچیر خانلق

موضوعی که بلافاصله با دیدن محوطهٔ مذکور به شدت جلب توجه می‌کند، چاله‌های حفاری غیرمجاز بسیار گسترده و فراوانی است که حجم بسیار زیادی از لایه‌های باستانی را تخریب و به هم ریخته است. علاوه بر چاله‌های حفاری باید به خاکبرداری‌های غیرمجاز بویژه در بخش‌های شرقی و جنوب شرقی که در مقیاس نسبتاً گسترده‌ای صورت گرفته نیز اشاره کرد که آسیب‌های جبران ناپذیری را بر سطح محوطه وارد آورده‌اند. بخشی از خاکبرداری‌های انجام شده به منظور استفاده از خاک محوطه در اراضی کشاورزی مجاور به عنوان رشوه و کود بوده است و یک بخش دیگر هم با توجه به وجود کوره‌های آجرپزی، احتمالاً برای تولید آجر استفاده شده است.

در سطح محوطه، علاوه بر برخی آثار معماری گستردهٔ خشتی و چینه‌ای شناسایی شده درون چاله‌های حفاری غیر مجاز، داده‌های فرهنگی زیادی شامل گونه‌های مختلف سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار دورهٔ اسلامی و چند قطعه ظرف سنگی به چشم می‌خورد. پراکنش داده‌های سطحی در حاشیه‌های شرقی و غربی، تا فاصلهٔ ۱۴۰ متری از عرصهٔ ظاهری محوطه، و در طرفین شمالی و جنوبی آن، تا فاصلهٔ ۶۰ متری دیده می‌شود. این فراوانی آثار فرهنگی، در کنار وسعت محوطه، نشان می‌دهد که محوطهٔ نچیر خانلق، لااقل در بخشی از دوران اسلامی، استقرار فراتر از یک روستای کوچک داشته است.

پیشینه پژوهشی

بر اساس اسناد و مدارک و گزارش‌های موجود، محوطه باستانی نچیر خانلق، نخستین بار در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ توسط «امیری» مورد بازدید و بررسی قرار گرفته است (امیری، ۱۳۶۶: ۱). این مأموریت یک روزه

به منظور بازدید از چند اثر باستانی که در محدوده حسن‌آباد فشاپویه قرار داشته‌اند، صورت می‌گیرد. هدف اصلی این مأموریت، بازدید از محل پیدایی «کاشی‌های خشتی نفیس زرین‌فام دوره ایلخانی» در اراضی یک موسسه دامداری بنیاد مستضعفان در خاقلق از توابع بخش فشاپویه شهرستان ری بود. امیری در این بازدید، تنها اشاره‌ای مختصر به موقعیت تقریبی جغرافیایی محوطه نچیر خاقلق می‌کند و توضیح کوتاهی در مورد سفال‌های سطحی و وجود ساختار معماری در این محوطه می‌دهد. وی هم‌چنین به وجود آجرهایی به ابعاد ۱۸ ۱۸ ۵ سانتی‌متر و قطعات شکسته کاشی‌های زرین‌فام در سطح این محوطه اشاره می‌نماید (نک. امیری: ۱۳۶۶).

محوطه مذکور در سال ۱۳۸۰ برای دومین بار، توسط «قدیر/افروند» و «خسرو پوربخشنده»، طی «برنامه بررسی و شناسایی شهرستان ری»، مورد بازدید و بررسی قرار می‌گیرد (افروند و پوربخشنده، ۱۳۸۱: ۷۷ و ۷۸). کار تعیین حریم محوطه نچیر خاقلق نیز با توجه به پیگیری‌های عباس رضایی‌نیا، در زمستان سال ۱۳۸۵، به سرپرستی وی انجام شد که در طی آن مقرر گردید بدون انجام برنامه گمانه‌زنی و تنها با استفاده از شواهد و مدارک سطح الارضی، نسبت به تعیین عرصه و حریم تپه اقدام شود. از این رو نشانه‌گذاری‌هایی به فاصله ۱۵ تا ۳۰ متری عرصه ظاهری تپه انجام گرفت و پنج شاخص بتنی در اطراف تپه کار گذاشته شد. (رضایی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۵). وی طی تعیین حریم و نیز بررسی محوطه، به مطالعه یافته‌های سفالی پراکنده در سطح محوطه نیز پرداخت و آنها را به دو گروه کلی بدون لعاب و لعاب دار تقسیم نمود و نهایتاً سفال‌های بدون لعاب در دو نوع و سفال‌های لعاب‌دار در هشت نوع مختلف طبقه‌بندی گردیدند (رضایی‌نیا ۱۳۸۵: ۲۷-۳۲).

بررسی باستان‌شناختی

محوطه باستانی «نچیر خاقلق» از بخش فشاپویه (فشافویه) شهرستان ری، فضاهای پیرامونی و نیز داده‌های فرهنگی پراکنده در سطح آن، توسط نگارندگان در تابستان ۱۳۸۹ مورد مطالعه و بررسی سطحی باستان‌شناختی، قرار گرفت. داده‌های فرهنگی پراکنده سطحی محوطه، شامل نمونه‌های متنوعی از شیشه‌های باستانی به اشکال مختلف و با رنگ‌های متفاوت به‌ویژه سبز، قطعات محدودی از الگوهای شیشه‌ای به رنگهای لاجوردی و سبز، برخی از انواع ظروف سنگی اعم از ساده و تزئین شده، نمونه‌های مختلفی از کاشی‌های لعاب‌دار فیروزه‌ای رنگ، یک قطعه کاشی زرین‌فام و گونه‌های متعدد و متنوعی از سفالینه‌های بدون لعاب و لعاب‌دار دوران اسلامی است.

به طوری که اشاره شد برای نخستین بار در سال ۱۳۶۶ گزارشی در ارتباط با وجود کاشی‌های زرین‌فام در محوطه مذکور ارائه شده بود که این امر، موجب بررسی‌های سطحی آن محوطه گردید. ولی نه تنها در آن بررسی، بلکه حتی در طی گمانه‌زنی محوطه که در سال ۱۳۸۵ انجام پذیرفت، هیچ نمونه‌ای از این نوع کاشی شناسایی نگردید (رضایی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱). اما در بررسی‌های باستان‌شناختی سال ۱۳۸۹، برای نخستین بار، یک قطعه کاشی زرین‌فام، در سطح محوطه، مورد شناسایی قرار گرفت. کاشی زرین‌فام مذکور که تنها بخش

کوچکی از آن باقی مانده، از نوع ستاره‌ای چند رنگ به ضخامت یک‌سانتی‌متر است که متأسفانه به دلیل کوچکی قطعه و آسیب‌دیدگی شدید سطح آن، تشخیص دقیق نقوش آن امکان‌پذیر نمی‌باشد. در ارتباط با اهمیت یافت شدن این قطعه کاشی در محوطه مذکور باید توجه داشت که تاکنون در محدوده شهرستان‌های ری و ورامین، تنها در بنای «مام‌زاده یحیی» در ورامین و به احتمال بسیار، شهر ری قدیم، کاشی زرین‌فام به طور مستند، شناسایی و معرفی گردیده بود و نه بیشتر (واتسون، ۱۳۸۲: ۲۶۹). در توضیح این مهم، ذکر نکاتی به شرح زیر ضروری است:

۱- شهر ری از مناطقی است که توسط برخی پژوهشگران مانند «آرتور آپهام پوپ»^۱ به عنوان خاستگاه سفال زرین‌فام، مطرح شده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۷۸۵).

۲- از آنجا که ادعای مذکور، مستند به کاوش‌های باستان‌شناختی و نیز آزمایش‌های علمی نبود، برخی پژوهشگران دیگر مانند واتسون و میسن، نه تنها ری را به عنوان خاستگاه سفال زرین‌فام نپذیرفتند، بلکه آنجا را حتی به عنوان یکی از مراکز تولید این گونه سفالینه نیز به شدت زیر سوال بردند (Mason, 1997: 112; Watson, 1985: 41)، در صورتی که قدیمی‌ترین اثر سفالین زرین‌فام تاریخداری که تا چندی پیش شناخته و معرفی شده و مورخ به سال ۵۷۵ هـ.ق.^(۱) است (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۷۹۳) و نیز برخی نمونه‌های نفیس دیگر مانند یک کاسه مورخ به سال ۵۸۷ هـ.ق. (Pope, 1938: pl.638) منسوب به ری می‌باشند.

۳- در ارتباط با این موضوع، نباید از یک نکته بسیار دقیق و کلیدی که مشکل‌گشای بسیاری از سؤالات و ابهامات است، غفلت نمود. آن نکته، عبارت است از اینکه در بررسی آثار تاریخی و میراث فرهنگی شهر ری، همچون دیگر شهرهای تاریخی و باستانی، نباید فقط به محدوده «شهری» و «مرکزی» آنجا توجه و اکتفا نمود، بلکه باید حومه و اقمار و به طور کلی حوزه و قلمروی اداری، سیاسی و فرهنگی آن شهر را مد نظر قرار داد. بنابراین منظور از آثار فرهنگی و تاریخی شهر ری از جمله سفالینه‌ها و کاشی‌های زرین‌فام آنجا در هر دوره‌ای، داده‌های کلیه مناطقی است که در آن دوره، تابع آن شهر بوده و در قلمرو اداری- سیاسی، یا به اصطلاح امروزی، در حوزه استحفاظی آن شهر قرار داشته‌اند. توضیح آنکه، محور اصلی تحرک اقتصادی در بسیاری از شهرهای ایرانی و اسلامی، با توجه به وابستگی صنایع دستی آن شهرها به ساکنان و صنعتگران آن منطقه و مواد بومیشان، مصنوعات محلی و پایداری آن صنایع بوده است. لذا زمینه‌های حقوقی و اداری و نیز اجرایی پدید آمده، رشد اقتصادی متکی به صنایع کوچک و متوسط را در آن شهرها فراهم می‌آورد. بدین لحاظ همان گونه که این صنایع کوچک، علاوه بر داخل شهرها، در داخل روستاها نیز تولید شده‌اند، فعالیت کشاورزی نیز علاوه بر روستاها در درون دیوارهای شهر نیز انجام می‌گرفته است، زیرا بافت شهرهای اسلامی

1. Arthur Upham Pope